

فلک را سقف بشکافیم

یادداشت:

به پاس نگارش کتابی که هوارد زین، نویسنده آمریکایی، تحت عنوان «تاریخ مردمی ایالات متحده آمریکا» (*Histoire populaire des Etas unis*) (انتشارات آگون - مارسسی) به رشته تحریر درآورده، جایزه انجمن دوستان لوموند دیپلماتیک سال ۲۰۰۳ برای مبارزه با اندیشه واحد (یا کونفورمیسم) به این نویسنده تعلق گرفت.

سرپرستی این جایزه را چهار شخصیت زیر بر عهده داشته اند:

داریوفو (از ایتالیا) برنده جایزه نوبل در ادبیات

خوزه ساراماگو (از پرتغال) برنده جایزه نوبل در ادبیات

کوستا گاوراس، سینماگر

و خوزه لوپس سامپدرو، نویسنده.

این هیأت به مناسبت اهدای این جایزه، متن مشترکی درباره نقشی که روشنفکران می توانند به سان یک نیروی ضد قدرت ایفا کنند امضا کرده آن را تحت عنوان «فلک را سقف بشکافیم» منتشر ساخته اند.

مترجم، ۲۱ فوریه ۲۰۰۴.

کجا هستند برتراند راسل ها که همراه با انشتین، با شهادت فراوان، در اوج جنگ سرد، برای خلع سلاح فراخوان دادند؟ راسل هایی که یازده سال پس از آن، با برپا کردن دادگاه بین المللی جنایات جنگی به مخالفت با افسارگسیختگی های آمریکا در ویتنام برخاستند؟ چه کسی آخرین واژه های نطق او را به یاد دارد که می گفت: «به امید آنکه این دادگاه مانع از جنایت سکوت شود»؟

کجا هستند زنانی که با انتشار بیانیه ۲۴۳ نفره شهادت آن را داشتند که خویشتن را علناً یاغی در برابر قانون معرفی کنند و اعلام نمایند که دست به سقط جنین زده اند تا بدین وسیله راه را برای قانونی شدن جلوگیری از آبستنی و سقط جنین آماده کنند؟

کجا هستند اشتفن زوایگ ها یا هاینریش بل های معاصر که قاطعانه به مخالفت با قدرت برخیزند؟ آیا واحه های ایوان ایلچ * برای همیشه خشکیده اند؟

کجا هستند هانری کوری یل * * ها که حاضر نشدند از مصر فرار کنند تا در برابر ارتش آفریقایی رومل مقاومت نمایند؟ هانری کوری یل های ضد استعمار که به خاطر حمایت از «جبهه آزادی بخش الجزایر» ۱۸ ماه در زندان فرن (فرانسه) به بند کشیده شدند؟

کجا هستند گاندی ها که برای تسریع سقوط امپراتوری انگلیس در هند، از جان خود مایه گذاردند؟ کجا هستند گروه ۱۲۱ نفره که سرپیچی شورشیان [الجزایر] و نیز کمک به آن ها را مهر تأیید نهادند و نوشتند: «باز هم یک بار دیگر، و خارج از چارچوب نظم مستقر مقاومتی زاده شد. آگاهی خود به خودی شکل گرفت و به جست و جو و ابداع اشکال فعالیت و ابزارهای مبارزه ای برآمد که با وضعیت نوینی که پیش آمده در پیوند باشد. گروه بندی های سیاسی و روزنامه نگارانی که افکار عمومی را می سازند دست به یکی کرده اند که خواه به خاطر جمود یا رخوت اعتقادی شان، خواه به خاطر پیشداوری های ملی گرایانه یا اخلاقی شان این وضعیت نوین و مقتضیات حقیقی اش را به رسمیت نشناسند».

کجا هستند، امروز، آلبر لوند * * * ها که نیش قلم خویش را در زخم های زندان «گویان» [ویژه محکومین به اعمال شاقه] یا زخم های «گردان های آفریقا» فرو بردند، از ۱۹۲۰ خطاهای اتحاد جماهیر شوروی جوان را افشا کردند؛ چنانکه موفق شدند قوانین مربوط به آسایشگاه های روانی را تعدیل کنند، و به همین دلیل

دشمنی محافل استعماری فرانسه را بر ضد خود برانگیختند.

کجا هستند اندیشمندانی به بزرگی و غنای **میشل فوکو** که کیفیت نگرش به موضوعاتی مانند جنون، زندان، جنسیت را به نحوی ریشه ای دگرگون کردند؛ کجا هستند اندیشمندانی به عظمت **پی یر بورديو** که به جامعه شناسی جان تازه ای دمیدند و در عین حال از نقش اجتماعی روشنفکر منتقد سرسختانه دفاع کردند، کجا هستند، امروز، کسانی چون **هانا آرت، کورنلیوس کاستریادیس، آنتونیو ماشادو یا فدریکو گارسیا لورکا**؟ چنین می نماید که مغزها در باتلاقی لزج و لجنزار فرو رفته اند. یکسر و یکپارچه کردن گفتمان ها را تنها می توان با ساده انگاری برابر دانست، حال آنکه فهم جهان با همه پیچیدگی اش، ظرافت و حساسیت اش و تضادهایش خود جوهر رهایی انسان است.

با این همه زنانی، مردانی همچنان به مبارزه روزمره قدم به قدم و خستگی ناپذیر ادامه می دهند تا در اندیشه مسلط شکافی پدید آورند. با چنین برخوردی ست که ان ها شجاعانه به ایفای نقش ضد قدرت ادامه می دهند، نقشی که روشنفکر منتقد بر عهده دارد.

به خاطر حمایت از چنین روشنفکران، به خاطر معرفی آنان و مبارزه با دلردگی کنونی دنیای روشنفکری ست که انجمن دوستان لوموند دیپلوماتیک، برای مبارزه با اندیشه واحد (کونفورمیسم)، بنیاد یک جایزه را پی افکنده است. با چنین روحیه و برداشتی ست که ما سرپرستی این جایزه را پذیرفتیم.

(ترجمه برای اندیشه و پیکار)

* ایوان ایلچ (Ivan Illich)، فیلسوف اتریشی، انگلیسی زبان (متولد ۱۹۲۸): ابتدا به سلك کشیشان درآمد، در پورتوریکو به تدریس پرداخت و سپس در کودوناواکا (مکزیک) مستقر شد و از سلك روحانیت درآمد. وی از زمان انتشار کتاب «آزاد کردن آینده» (۱۹۷۸) تا «الفبا، باسواد کردن روحیه توده ای» (۱۹۹۰) جهش های اجتماعی و فرهنگی معاصر را مورد تأمل نقادانه خود قرار می دهد. مشهورترین کتابش که *La convivialité* (روابط دوستانه) نام دارد (۱۹۷۲)، بحث های فراوانی درباره دگرگونی روابط اجتماعی برانگیخته است. (از فرهنگ روبر جلد ۲).

* * * هانری کوری یل (Henri Curiel) فرزند یک بانکدار یهودی مصری در قاهره بود و به خاطر مبارزه با رژیم فئودالی و دست نشاندۀ ملک فاروق بارها به زندان افتاد، از بنیانگذاران حزب کمونیست مصر بود و مؤسس حزب کمونیست سودان. در ۱۹۵۰ از مصر نفی بلد شد و از ۱۹۵۷ به شبکه حمایت از جبهه آزادی بخش الجزایر در پاریس پیوست و ۱۵ سال مدیریت شبکه مخفی حمایت از مبارزات انقلابی جهان سوم (در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین) را بر عهده داشت. غالباً تحت پیگرد و در معرض اتهام های مختلف از سوی «دوستان» و دشمنان بود. در ۴ مه ۱۹۷۸ به دست دو قاتل ناشناس در جلوی خانه اش در پاریس کشته شد. پرونده قتل او نیز مانند بن برکه و بسیاری دیگر به عمد به بوته فراموشی سپرده شده است. برای اطلاع بیشتر درباره وی رجوع شود به:

Gilles Perrault, UN HOMME A PART, Ed. Bernard Barrault, 1984. 587 pages.

* * * آلبر لوند (Albert Londres)، روزنامه نگار فرانسوی (۱۸۸۴-۱۹۳۲). او یکی از نخستین کسانی ست که رپرتاژ بین المللی تهیه کرده و برای چند روزنامه فرانسوی آن زمان: اکسل سیور، پوتی پاریزیان و ژورنال کار می کرد. در حادثه آتش سوزی «ژرژ فیلیپار» در اقیانوس هند جان خود را از دست داد. آثاری که از او برجای مانده یکی *Au Bagne* (زندان با اعمال شاقه) است که در آن سیستم زندان های فرانسه را در گویان (Guyane) افشا و تقبیح می کند و بعد کتاب «راه بوئیس آیرس» (Le chemin de Bunes Aires) و بالاخره کتاب «صیادان مروارید» (Pêcheurs de perles). جایزه ای نیز به نام او وجود دارد (از فرهنگ روبر، جلد ۲).

برای متن اصلی به زبان فرانسوی، ر. ک. به:

<http://www.amis.monde.diplomatique.fr>

www.peykarandees.org

انتشارات اندیشه و پیکار